

صفت شعر حافظ از زبان خودش

جواد تراب پور

عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دورود



۳- حافظ از آب زندگی شعر تو داد شربت
ترک طیب کن بیا نسخه‌ی شربت
ب) طربناکی

۱- ز چنگ زهره شنیدم که صبح دم می گفت
غلام حافظ خوش لهجه‌ی خوش آواز

۲- غزل سرایی ناهید صرفه‌یی نبرد
در آن مقام که حافظ برآورد آواز

۳- در آسمان نه عجب گر به گفته‌ی حافظ
سرود زهره به رقص آورد مسیحا را

۴- مطرب از گفته‌ی حافظ غزلی نغز بخوان
تا بگویم که ز عهد طربم یاد آمد

۵- به شعر حافظ شیراز می رقصند و می نازند
سیه چشمان کشمیری و ترکان سمرقندی

۶- گر از این دست زند مطرب مجلس ره عشق
شعر حافظ ببرد وقت سماع از هوشم

ج) شیرینی

۱- بدین شعر تر شیرین ز شاهنشاه عجب دارم
که سر تا پای حافظ را چرا در زر نمی گیرد

۲- شفا ز گفته‌ی شکرشان حافظ جوی
که حاجتت به علاج گلاب و قند مباد

۳- سرود مجلس اکتون فلک به رقص آرد
که شعر حافظ شیرین سخن ترانه‌ی توست

۴- نکته دانی بذله گو چون حافظ شیرین سخن
بخشش آموزی جمال افروز چون حاجی قوام

۵- کلک حافظ شکرین میوه نباتی است بچین
که در این باغ نبینی ثمری بهتری از این

۶- سخن اندر دهان دوست شکر
ولیکن گفته‌ی حافظ از آن به

حافظ چه طرفه شاخه نباتی است کلک تو
کش میوه دلپذیرتر از شهد و شکر است

د) حافظ دیگر خصوصیت شعر خویش را
نغزی و مشحون بودن از نکات و ظرایف می داند

و خویشان را نکته دان و نغز گو می خواند:
۱- خموش حافظ و این نکته‌های چون زر سرخ

نگاه دار که قلاب شهر صراف است
۲- مدعی گو لغز و نکته به حافظ مفروش

کلک ما نیز زبانی و بیانی دارد
۳- مطرب از گفته‌ی حافظ غزلی نغز بخوان

تا بگویم که ز عهد طربم یاد آمد

□ راستی را در جادوی سخن حافظ چه خصوصیتی است که هر چه زمان بر آن می گذرد، کلامش دلپذیرتر می افتد و مقبول طبع صاحب نظران بیش تری قرار می گیرد؟ بی شک هزار نکته باریک تر از مو در هنر خواجه نهفته است که او را صدرنشین دیوان غزل کرده و شعر او را بدان پایه از بلندی رسانده که بانگ غزل هایشان نه تنها در عراق و حجاز بلکه در سراسر قلمرو شعر پارسی پیچیده است.

سخن سنجان و شعرشناسان از دیرباز تاکنون، بی حد و اندازه از شعر و هنر حافظ سخن گفته اند اما دیدگاه خود حافظ درباره‌ی سحر سخنش و این که چه صفاتی شعر او را از سخن دیگر سخنوران متمایز کرده، موضوعی است که ناپسوده مانده و ما در این گفتار بدان خواهیم پرداخت.

حافظ به شهادت دیوانش در ابیات متعددی از خصوصیت شعر خویش سخن رانده و وجوه تمایز و تشخیص کلام خویش را در جای جای دیوانش نموده است. در واقع حافظ نخستین کسی است که به نقد هنرمندانه‌ی کلام خویش پرداخته و آن را از جنس سخن گویندگان سست نظم ندانسته است. البته انگیزه‌ی خواجه از سرایش شماری از ابیات که در آن‌ها از خود و سخن تعریف کرده، پاسخ به ملامت گویان و مدعیانی بوده که با او نزاع و محاکات می کرده و به خواجه لغز و نکته می فروخته اند:

- ۱- حسد چه می ببری ای سست نظم بر حافظ
- ۲- حافظ ببر تو گوی فصاحت که مدعی
- ۳- مدعی گو لغز و نکته به حافظ مفروش
- ۴- کسی گیرد خطا بر نظم حافظ
- ۵- حافظ تو ختم کن که هنر خود عیان شود
- ۶- نه هر کو نقش نظمی زد کلامش دلپذیر افتد

تذرو طرفه من گیرم که چالاک است شاهینم
اما خصوصیات و برجستگی‌هایی که حافظ سخنش را بدان‌ها ستوده است به قرار زیرند:

- الف) روانی سخن به گونه‌یی که آب خضر نیز در مقابل روانی آن احساس شرم می کند
- ۱- حجاب ظلمت از آن بست آب خضر که گشت
- ۲- حافظ از مشرب قسمت گله نانصافی است
- ز شعر حافظ و آن طبع هم‌چو آب خجل
- طبع چون آب و غزل‌های روان ما را بس

۴- گفت حافظ لغز و نکته به یاران مفروش

آه از این لطف به انواع عتاب آلوده

۵- چو سلک در خوشاب است شعر نغز تو حافظ!

که گاه لطف سبق می برد ز نظم نظامی

ه) فصاحت و بلاغت

۱- آب حیوانش ز منقار بلاغت می چکد

زاغ کلک من به نام ایزد چه عالی مشرب است

۲- چو عندلیب فصاحت فروشد ای حافظ

تو قدر او به سخن گفتن دری بشکن

و) حافظ در بیت های زیر شعر خود را به دلکشی و خوشی و خویشتن

را به خوش کلامی و خوش گویی ستوده است:

۱- ز شعر دلکش حافظ کسی بود آگاه

که لطف طبع و سخن گفتن دری داند

۲- دلم از پرده بشد حافظ خوش گوی کجاست

تا به قول و غزلش ساز نوایی بکنیم

۳- شعر حافظ همه بیت الغزل معرفت است

آفرین بر نفس دلکش و لطف سخنش

۴- خوش چمنی ست عارضت خاصه که در بهار حسن

حافظ خوش کلام شد مرغ سخن سرای تو

۵- عراق و فارس گرفتی به شعر خوش حافظ

بیا که نوبت بغداد و وقت تبریز است

ز) جهانگیر شدن و شهرت یافتن و درنوردیدن عرصه زمان و مکان

دیگر خصوصیات شعر حافظ است:

۱- عراق و فارسی گرفتی به شعر خوش حافظ

بیا که نوبت بغداد و وقت تبریز است

۲- فکند زمزمه ی عشق در حجاز و عراق

نوای بانگ غزل های حافظ شیراز

۳- حافظ حدیث سحر فریب خوشتر رسید

تا حد مصر و چین و به اطراف روم و ری

۴- شکرشکن شوند همه طوطیان هند

زین قند پارسی که به بنگاله می رود

۵- اگر باور نمی داری رو از صورتگر چین پرس

که مانی نسخه می خواهد ز نوک کلک مشکینم

۶- به شعر حافظ شیراز می رقصند و می نازند

سیه چشمان کشمیری و ترکان سمرقندی

۷- زبان کلک تو حافظ چه شکر آن گوید

که گفته ی سخت می برند دست به دست

۸- پایه ی نظم بلند است و جهانگیر بگو

تا کند پادشه بحر دهان پر گهرم

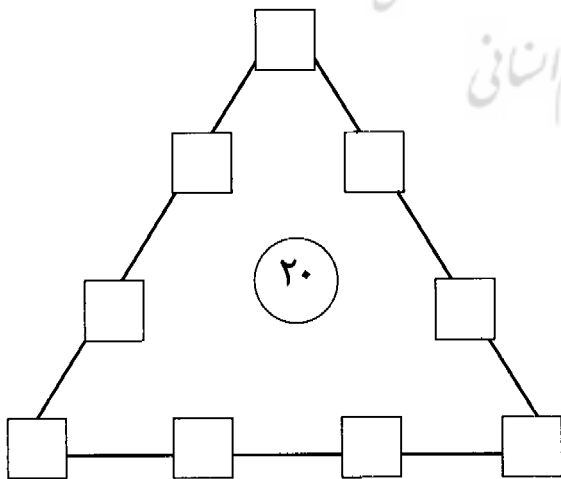
۹- طی مکان بین و زمان در سلوک شعر

کاین طفل یک شبه ره صد ساله می رود

کلیدی ابیات از روی دیوان حافظ به تصحیح محمد قزوینی و دکتر قاسم غنی نقل شده است.

ط		ا		د	ج	ز
ه		ز			ح	
ب			ط	د		
			و	ا		ب
ز		ح	ب			
	ا		د	ج	ط	
ه		ا			و	
	و		ز			د
		ط	ح			ز

با حروف کلمات ابعاد - هوز - حطی باید طوری پر شود که فقط در هر ردیف افقی یا عمودی و یا در هر ۹ خانه مشخصی از یک حرف استفاده گردد و حروف جدول تکراری نباشد. پاسخ در صفحه ۵۵: عزی



جدول اعداد

باید اعداد از ۱ تا ۹ را در هر خانه طوری قرار داد که مجموعه ی اعداد هر ضلع برابر عدد ۲۰ گردد. اعداد تکراری نباشد. پاسخ در صفحه ۵۵: عزی